شهرآرا
روزنامه شهرمان مید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۵شنبه
۰۹ آبان ۱۳۹۸
۰۲ ربیع الاول ۱۴۴۱
شماره ۲۹۵۸
۰۲
نردبون شهر

برای ترافیک «سناباد» فکری کنید

الو شهرآرا...

اینجا تریبونی برای بیان نظرات، انتقادات، مشکلات و درخواست‌های شما شهروندان است و می‌توانید از روش‌های زیر، مطالبتان را با ما در میان بگذارید.

اینستاگرام: @shahraranews
تارنما: shahraranews.ir
رایانامه: info@shahrara.com
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیام رسان: ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
مراجعه حضوری تلفن: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱

شهروندان گرامی! با هدف پیگیری دقیق و سریع مسائل مطرح شده، لطفا آدرس و اطلاعات کاملی در اختیار ما قرار دهید.

راهنمایی و رانندگی

۰۹۱۵۰۰۰۵۰۱ شایان توجه مسئولان راهنمایی و رانندگی، محض رضای خدا برای ابتدای خیابان سناباد، دبیرستان دخترانه امام حسین(ع) فکری بکنید! حوالی ساعت ۲ ظهر، پدر و مادرها با پارک دوبله خیابان را مسدود می کنند.

شهرداری

۱۲۷...۰۹۱۵ چرا از مشکلات محله نوفل لوشاتو گزارش تهیه نمی کنید؟ دست کم از شهردار منطقه برای ارائه مجوز ساخت‌وساز با ارتفاع ۱۲ متر و با تراکم متوسط توضیح بخواهید. هیچ کدام کارشناسی شده نیست. مگر شهرداری توسط مهندسان شهرسازی اداره نمی‌شود که چنین بخش نامه و قانونی را مصوب کرده‌اند؟ واقعا متأسفم. شما هم که پیگیری نمی کنید.

۱۲۵...۰۹۱۵ شهردار محترم منطقه ۱۰، خواهش می کنیم از ترافیک روی پل انتهای شاهد به سمت آزادی بازدید کنید. چرا زیرگذر شاهد به سمت خادم‌الشریعه را برای استفاده خودروها باز نمی کنید تا خودروهایی که از بولوار شاهد عبور می کنند و قصد تردد به خادم‌الشریعه را دارند از این زیرگذر استفاده کنند. با این اقدام ترافیک از بین خواهد رفت.

آموزش و پرورش

۰۹۳۰...۰۹۱۵ به عنوان مادر دانش آموزی با نیازهای ویژه، تابه حال چندین پیامک درباره آموزش و پرورش به شهرآرا ارسال کرده‌ام که البته در روزنامه هم چاپ شده است، ولی تابه حال حتی یک بار هم آموزش و پرورش عکس‌العملی نشان نداده است. نمی دانم چرا در این مرز و بوم با این فرهنگ غنی، آموزش و پرورش این قدر آینده آینده‌سازان را سرسری می گیرد.

۰۹۳۰...۰۹۱۵ در پایه کلاس پنجم دبستانی غیرانتفاعی -ناحیه ۴ آموزش‌وپرورش- دانش‌آموزی را ثبت نام کرده‌اند که مشکل دارد، در این حد که تا معلم غفلت کند، موبایل او را برمی دارد و بازی می کند. آیا این درست است که اعصاب بقیه بچه ها به هم بریزد؟ دست کم یک نفر کنار این بچه بنشیند تا کلاس را به هم نریزد. خواهش می کنم یکی پیگیری کند، چرا که رفتار این دانش آموز روی دیگر بچه ها نیز تأثیر می گذارد، همچنان که فرزند من الان دچار مشکل شده است.

اداره کار

۰۹۱۵۰۰۰۷۱۳ چرا کارفرمایان حق همسری به کارگران نمی دهند؟ اداره کار پیگیری کند.

اتوبوس رانی

۱۲۲...۰۹۰۲ چرا برای خط ۲۸/۱ که یک ایستگاه آن سر چهارراه مقدم است و ایستگاه بعد نیز فاصله زیادی با راه‌آهن دارد، یک ایستگاه دیگر در نظر نمی گیرید تا مردم راحت‌تر باشند؟

متفرقه

۱۱۰...۰۹۱۵ هرجا مدرسه‌ای ساخته شود یک زندان تعطیل می‌شود اگر نمی توانیم مدرسه بسازیم، اطلاعات خود را به‌روز کنیم و دانسته هایمان را با دیگران در میان بگذاریم، اگر اطلاعات درستی در اختیار یکدیگر قرار بدهیم از بسیاری از جرائم پیشگیری کرده‌ایم.

خاطره‌گوی پایین خیابان

المیرا منشادی

کوچه پس کوچه‌های پایین‌خیابان را مثل کف دست می‌شناسد. از روزی که ساختمان حاجی‌لته سر به آسمان برد و خودش را از خانه‌های نقلی محله بالاتر کشید، تا امروز را که محله پایین‌خیابان هزار تکه شده است به یاد دارد. محمود ناظران‌پور متولد و بزرگ‌شده محله پایین‌خیابان است که با خاطره‌گویی‌هایش ما را به پایین‌خیابانی می‌برد که قزلباشان هرصبح در میدانگاهی نزدیک نوغان مراسم صبحگاه برگزار می کردند و هندی‌ها کوچه‌ای ویژه خودشان در نزدیک حرم مطهر داشتند.

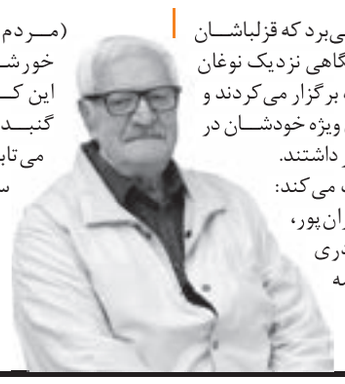

ناظران‌پور تعریف می کند: پدرم، حسن ناظران‌پور، ناظر آب نهر نادری بود، از چشمه گیلاس تا کوه سلطان مشرق (مردم برای اینکه خورشید از پشت این کوه به مشهد و گنبد حضرت‌رضا(ع) می‌تابیده است، نام سلطان مشرق را به آن داده بودند و تا چند سال پیش نیز این کوه در بین مشهدی‌ها بسیار معروف بوده است).

به گفته او نهر پایین‌خیابان در بین مردم بسیار باارزش بود. درست است که تمام کارهای روزانه -از لباس شستن تا آب‌تنی بچه‌ها و بزرگ‌ترهای محله- در این آب انجام می‌شد، اما آب آن را بسیار مقدس می‌دانستند. حتی برای استفاده بهینه از نهر بود که به پدرم شغل نظارت بر آب را داده بودند. مشروح این گفت‌وگو را امروز در شهرآرامحله منطقه ثامن بخوانید.

آپارتمان‌های مجهول‌الهویه

کسی از مالکان ساختمان‌های رها در حاشیه بولوار قرنی اطلاع ندارد

مریم قاسمی

انگار از سرزمینی جنگ‌زده کنده شده‌اند و در مرکز شهر ما فرود آمده‌اند، ساختمان‌های متروک و غبارگرفته در حاشیه بولوار شهید قرنی که در نگاه اول فکر می کنی دیوارهایش را تیرباران کرده‌اند، چون بیشتر شیشه‌هایش فروریخته است. هر پنجره به اندازه تعداد سنگ‌هایی که به سویش پرتاب شده، زخمی شده است. خیلی از این زخم‌ها کهنه‌اند. چرکی که در طول سال‌ها روی آن‌ها نشسته، لبه‌های تیز خورده‌شیشه‌های باقیمانده را کند کرده است. بیشترِ پنجره‌ها جز از تکه‌های کوچک تیز شیشه در لبه‌های قابشان تهی و غَمگین شده‌اند. دیوارهای آجر سفالی تسلیم شده‌اندو گذاشته‌اند هر کس هرچه می خواهد رویشان بنویسد، دفتر خاطرات آدم‌هایی شده‌اند که توانسته‌اند خودشان را از نرده‌های فلزی اطراف مجتمع عبور دهند یا تابلوی تبلیغات قصاب‌محل شوند که به همین واسطه مشتری‌های زیادی پیدا کرده است. دستانم را به نرده‌های فلزی می گیرم و سرم را عقب می‌اندازم تا بالاترین نقطه ساختمان را ببینیم. ساختمان چهار طبقه چون صورت پیرزنی سیاه‌بخت شکسته و کدر شده است. می گویند از ۱۵ سال پیش تابه‌حال غیر از نگهبان و تعدادی کارتن خواب که چم و خم ورود به ساختمان را بلد شده‌اند، کسی پا به این مجتمع نگذاشته است.

عکس: داوود بیگلو، شهرآرا

ویترینی از تهی بودن

فلش قرمز رنگی را که راهنمای نگهبانی است دنبال می کنیم. دیوارهای خسته با کلمات درهم و برهم از پشت نرده‌ها، چون فیلمی رازآلود از مقابل چشمانمان عبور می کنند. به دری نیمه باز می‌رسیم. پای بلوک های ساختمانی ای به تماشا می ایستیم که مثل تنه درختان کهن‌سال از درون پوسیده و خالی شده‌اند. قاب های درهای ورودی، سقف های پوسته پوسته شده و اتاق های خالی را به نمایش گذاشته‌اند، ویترینی از تهی بودن در میان تراکم زندگی یک منطقه پرجمعیت شهری.

از نقطه‌ای که ایستاده‌ایم ردیف بلوک های ساختمانی مرتفع چون هزارتوی آجری به نظر می رسند که ما را دربر گرفته است. همان طور دور خودمان می چرخیم که صدای نگهبان، از پشت سر، گشت‌زنی‌مان در میان بلوکه های ساختمانی را متوقف می کند. نگهبان در ذهنمان مردی سالخورده و با تجربه بود اما ظاهر شدن مردی جوان و لاغراندام توی ذوقمان می زند. جوان از پیشینه ساختمان خبری ندارد یا نمی خواهد داشته باشد. حتی شنیده هایمان از اینکه ساختمان از ۱۵ سال پیش این‌طور متروک مانده است برایش هیچ جذابیتی ندارند. می گوید نمی داند که این ساختمان ها روزگاری جزو املاک بانک ملی بوده اند یا نیروی انتظامی یا هرچه که مردم می گویند و با گفتن اینکه تنها یک هفته است که نگهبان این مجتمع شده و اصلا حاضر نیست شماره کسی را که او را استخدام کرده است در اختیارمان بگذارد، آب پاکی را روی دستمان می ریزد.

۱۵ سال متروک

ساختمان های متروکه حاشیه خیابان شهید قرنی ۱۵ سال است که به همین وضع هستند، خالی از سکنه و متروک. گاه که باد از میان پنجره های بدون شیشه عبور می کند با نوایی وهم‌انگیز، وحشت را در دل عابران می اندازد. اما تنها این صداها نیست که مردم را نگران وجود زندگی ارواح در واحدهای خالی از سکنه کرده است، بلکه سر و صدای کارتن خواب هایی که گاه در و پنجره‌ها را به هم می‌زنند نیز چنین تصوری را در آن ها به وجود آورده است. اما از وهم و خیالات عابران و کسبه اطراف که بگذریم فرسودگی بیش از حد ساختمان، همان طور که یکی از کسبه می گوید واقعا خطرناک است و ممکن است مشکلاتی جدی در شهر ایجاد کند. شاید یک زلزله معمولی یا باران هایی که روی سقف های فرسوده می بارد یا هر مسئله معمولی دیگری روی این ساختمان ها اثر بسیار شدیدی بگذارد و فاجعه‌ای رخ دهد. «مالک این ساختمان ها کیست؟» پاسخ به این سؤال خیلی از مسائل را حل می کند. می توانیم برویم سراغ مالک و بپرسیم چرا تکلیف املاکش را روشن نمی کند؟ حالا می خواهد این مالک شخص باشد یا یک ارگان دولتی، باید توضیح بدهد که در صورت بروز یک حادثه چه جوابی برای مردم دارد؛ حتی باید بگوید همین حالا که حاشیه یک خیابان اصلی و پررفت‌وآمد به دلیل وجود ساختمان‌های متروکه، نازیبا و وحشت‌انگیز شده است چه مسئولیتی دارد؟

ارتباطی به شهرداری ندارد

شهرداری منطقه ۲ اولین گزینه برای آشنایی با این مالک است. این موضوع آن‌قدر روشن است که فکر می کنیم با اولین تماس پاسخ سؤالمان را می گیریم اما بر خلاف تصورمان پاسخ دیگری می شنویم چرا که یکی از کارشناسان روابط عمومی شهرداری این منطقه پس از گرفتن استعلام می گوید: این ساختمان ها هیچ ارتباطی با شهرداری ندارند و نمی دانیم مالک آن ها کیست. املاک شخصی اند. مستنداتشان در شهرداری موجود نیست .

از تهران پیگیری کنید

در ته مانده ذهن قدیمی ترها اطلاعاتی باقی مانده، از اینکه این ساختمان‌ها مربوط به بانک ملی است. از آنجا که سعی می کنیم زودتر به جواب برسیم با رئیس بانک ملی خراسان رضوی تماس می گیریم. حسن مونسان می گوید چیزهایی شنیده است اما مطمئن نیست و توصیه می کند این موضوع را از تهران پیگیری کنیم اما اطلاعات بیشتری در اختیار نمی گذارد و فقط می گوید: من و هیچ کدام از افرادی که در سیستم بانک ملی می شناسم مالک این واحدهای مسکونی نیستیم. او یادآور می شود که ۱۵ سال است این ها به همین وضع هستند. از این رو با اداره کل روابط عمومی بانک ملی کشور تماس می گیریم که به ارسال نامه‌ای کتبی منجر می شود و استعلامی که حدود ۲ هفته به طول می انجامد. در این فاصله فرضیه‌ای دیگر در ذهنمان شکل می گیرد.

جزو املاک بانک ملی نیست

شماره‌ای که روی بسیاری از دیوارها تکرار شده، برخلاف تصورمان که ممکن است شماره نگهبان سابق این مجموعه باشد، شماره قصاب محل است. او بعد از چند ثانیه سکوت ناشی از تعجب می گوید فکر می کند این املاک مربوط به نظامی ها باشد. استعلام گرفتن از مدیر روابط عمومی ناجا، خیلی طول نمی کشد، چراکه تدینی خیالمان را راحت می کند که در صورت مالکیت نیروی انتظامی حتما آرم نیروی انتظامی روی ساختمان ها دیده می شد. به گفته او نیروی انتظامی در صورت دارا بودن چنین مکانی حتما می توانست استفاده‌ای بهینه از آن بکند، چراکه همین‌طوری هم با کمبود فضا در شهر روبه‌روست. بعد از آن پاسخ استعلام بانک ملی هم به وسیله نامه‌ای کتبی از اداره کل روابط عمومی بانک ملی کشور به روزنامه شهرآرا می‌رسد: املاک مذکور تحت مالکیت بانک ملی نیستند .

نمی دانیم

شاید اداره کل راه و شهرسازی پاسخ سؤالمان را بدهد اما وقتی با محمد رضا مرتضوی، مدیر روابط عمومی راه و شهرسازی، تماس می گیریم و عکس مجتمع های متروکه را برایش ارسال می کنیم باز هم معلوم نمی شود ساختمان های متروکه از آن کیست و مالک آن چه کسی است!

مرتضوی اظهار می کند: واحد املاک راه و شهرسازی می گوید در گذشته این ساختمان ها جزو املاک شرکتی مربوط به بانک ملی بوده است اما اکنون اطلاعاتی درباره آن ها وجود ندارد.

مرتضوی در پاسخ به این سؤال که چرا اطلاعات کاملی در راه و شهرسازی وجود ندارد می گوید: اتفاقا این شهرداری است که باید آمار املاک منطقه را بداند، چراکه اگر روی یکی از همین ساختمان ها تابلوی تبلیغی نصب شود، شهرداری اقدام می کند و مالک آن را می یابد. پس در چنین حالتی هم باید پیگیر ماجرا باشد.

شاید دیر شود

اینکه مالک تعداد زیادی ساختمان متروکه در شهر بزرگی چون مشهد معلوم نیست شاید عجیب‌تر از ماجرای متروک ماندن این ساختمان ها باشد. شهرداری، سازمانی که می گویند ساختمان ها به نام آن بوده است و راه و شهرسازی از وجود این ساختمان ها، هیچ کدام خبر ندارند، اما وقتی که فاجعه‌ای بزرگ در شهر رخ دهد. آن وقت است که هزینه و انرژی زیادی صرف روشن شدن ماجرا می شود، وقتی که احتمالا دیر هم شده است.

آگهی مناقصه عمومی

مناقصه گر: سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد
۱.موضوع مناقصه: خرید برس دستگاههای رفت و روب از قبیل جاروب و جدول شوی به مدت یکسال کامل شمسی
۲.مبلغ برآورد مناقصه: ۶،۳۲۲،۶۸۰،۰۰۰ ریال
۳.مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: ۳۱۶،۱۳۴،۰۰۰ ریال
۴.تاریخ دریافت اسناد: از تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۹ تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۵
۵.آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۶
۶.تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۷
۷.نحوه دریافت اسناد: سایت http://ets.mshhad.ir و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۳۸۷۳۰۵۲-۰۵۱ اداره امور قراردادها تماس حاصل فرمایند.
۸.سایر اطلاعات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه درج شده است

سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد

اصلاحیه آگهی مناقصه خرید لوله کارو گیت

پیرو آگهی مناقصه عمومی نوبت اول سازمان عمران شهرداری مشهد چاپ شده در تاریخ ۹۸/۰۸/۰۸ با موضوع خرید لوله کاروگیت بصورت غیر نقدی ، خرید لوله ۱۴۰۰ میلیمتر به متراژ ۱۴۰۳ متر از لیست لوله های مورد نیاز حذف و جمع کل متراژ لوله از ۹۳۴۱ متر به ۷۹۳۸ متر کاهش می یابد.

امور قراردادهای سازمان عمرانی شهرداری مشهد

آگهی مناقصه عمومی

شماره مناقصه	موضوع مناقصه
۹،۹۸،۳۲	نگهداری فضای سبز پیمان د ناحیه ۱

جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه به سایت www.ets.mshhad.ir مراجعه نمایید.

واحد امور قراردادهای شهرداری منطقه۹

خبر

پایان کار غرفه‌های فروش بلیت اتوبوس در پایانه

به گفته معاون شهردار از ۳۰ آبان خرید بلیت بر اساس طرح جدید خواهد بود

پس از اینکه خرید بلیت اتوبوس بین‌شهری به‌صورت اینترنتی میان مردم جا افتاد، اینک نوبت به این رسیده تا غرفه‌های فروش بلیت اتوبوس در پایانه مسافربری مشهد جمع‌آوری شود و بنا به گفته معاون عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شهردار مشهد، این غرفه‌ها تا پایان آبان‌ماه جمع خواهند شد.خلیل ا... کاظمی در گفت‌وگو با شهرآرا گفت: یکی از دغدغه‌های زائران به‌ویژه در ایام پیک، خرید بلیت اتوبوس است که در این راستا سالن ترانزیت با گیت ورودی برای پایانه مسافربری مشهد در نظر گرفته می‌شود و عملا ارتباط اتوبوس‌ها با هر فرد غیرمرتبطی قطع می‌شود و هیچ‌کسی جز مسافران دارای بلیت اجازه دسترسی به اتوبوس را ندارد.

وی بیان کرد: موضوع بعد، تغییر نحوه فروش بلیت اتوبوس است که بر اساس این طرح تمام غرفه‌های فروش بلیت اتوبوس شرکت‌های مختلف از پایانه مسافربری جمع‌آوری می‌شود و شهروندان می‌توانند بلیت اتوبوس را به‌صورت اینترنتی یا از دفاتر هواپیمایی خریداری کنند و اگر مسافری نتوانست به هر دلیلی بلیت خود را تهیه کند، فقط تا یک ساعت قبل از حرکت اتوبوس می‌تواند از باجه پایانه مسافربری که هیچ ارتباطی به شرکت‌های اتوبوس‌رانی ندارد، بلیت خود را بر اساس نمایشگر که نشان‌دهنده زمان حرکت و نوع اتوبوس است، خریداری کند.

وی با بیان اینکه این طرح تا ۳۰ آبان اجرایی می‌شود، تأکید کرد: در حال خرید و نصب گیت‌های ورودی سالن ترانزیت هستیم و به‌طور کلی سوارشدن به اتوبوس فقط با عبور از گیت سالن ترانزیت و تهیه بلیت بر اساس طرح جدید خواهد بود.

خبر

همدلی ایرانی-پاکستانی برای کشمیر

هفتادودومین سالگرد «روز سیاه کشمیر» در مشهد گرامی داشته شد

غلامرضا روزبی

هم‌زمان با هفتادودومین سال اشغال کشمیر پاکستان به دست هند، مراسم گرامیداشت ۲۷اکتبر، «روز سیاه کشمیر»، در مشهد به میزبانی کنسولگری پاکستان برگزار شد. در این مراسم پیام عارف علوی، رئیس‌جمهور پاکستان، و همچنین عمران‌خان، نخست‌وزیر این کشور، قرائت شد.

ظاهر صاحب، دبیرکل مجمع علما و مشایخ پاکستان، در این مراسم از جمهوری اسلامی ایران برای حمایت‌هایش از مردم مظلوم کشمیر قدردانی کرد و گفت که دفاع از این مردم مظلوم، دفاع از انسانیت و مسلمانان است. خاموشی رسانه‌های دنیا در برابر خون‌هایی که در کشمیر ریخته شده است، پذیرفتنی نیست. در پایان این مراسم، رایزن فرهنگی سابق ایران در پاکستان مردم کشمیر را مظلوم‌تر از مردم فلسطین اشغالی خواند و بیان کرد: «کشمیر مثل بسیاری از اتفاقات مشابهش، زخمی است که از دوران استعمار انگلستان به‌جا مانده است. کشمیر مظلوم‌تر از فلسطین است؛ زیرا صدای کشمیر کمتر به گوش جهان رسیده است. امروز کشمیر به یک محبس بزرگ تبدیل شده است».

تقی صادقی به حذف حقوق حداقلی مردم کشمیر از قانون اساسی هند اشاره کرد و گفت: «هند به دنبال این است تا کشمیر را که جزئی از پیکر پاکستان است، با زور سرنیزه جدا کند».

بیش از ۷۰سال پیش در ۲۷اکتبر ۱۹۴۷، هند به‌طور غیرقانونی جامو و کشمیر را اشغال کرد و به‌تازگی تلاش‌هایی برای تغییر در ساختار جمعیتی و هویتی آن انجام داده است.